

ایران فرهنگی



بیراهه‌ای در ارائه گزارش خبری

پاپاراتزی، برای یک مشت دلار!

✦ **علیرضا کریمی صاری**

✦ عکاس - مدرس دانشگاه علم و صنعت ایران

در این عصر جدید و در میانه این بیکران امواج سحرآمیز، بشر خود را در ناامنی کامل می یابد. هیچ انسانی از نگاه و نظر دیگران پنهان نیست. انسان در این فرایند پیچیده، موجودی سرگشته و حیران است که اسباب این آشفتگی را خود مهیا کرده است. وی در این به اصطلاح دهکده جهانی و در این دنیای ارتباطات غوطه‌ور شده و همواره روح خود را عریان در پهنه امواج رسانه‌ای می بیند؛ رؤیایی هولناک، در خواب و بیداری، در نظرگاه دیگران.

با وجود این علوم ارتباطات و رسانه جزء لاینفک زمانه امروز است و بدون آن زندگانی انسان خردمند دشوار خواهد بود. روزنامه‌ها، نشریات ادواری و مجلات از پایان قرن هجدهم به بعد در غرب رواج یافتند که در آن زمان تعداد خوانندگان آنهاستنادک بود. لیکن در یک سده پس از آن اینگونه مطالب چایی جزئی از تجربه هر روزه میلیون‌ها نفر شد و دگرش‌ها و عقاید آنها را تحت تأثیر قرار داد.

این امر موجب شد که هرساله توسعه ارتباطات گروهی، دامنه اجتماعی شدن را وسعت ببخشد. با توجه به اینکه گسترش رسانه‌های همگانی چایی پس از چندی با استفاده از ارتباطات الکترونیکی نیز همراه شد، تلویزیون قدرتمندانه ظهور کرد و هر روز در زمان‌های معین، گروه‌های سنی مختلفی را تحت تأثیر برنامه‌های خود قرار داد. نتیجه آنکه امروزه ماهواره‌های مخابراتی، دنیای دیجیتال و مجازی با پدیدار شدن نسل جدید تلفن‌های هوشمند، ارتباطاتی گسترده‌تر از پیش را در سراسر جهان ایجاد کرده است که می توان آن را انقلاب ارتباطات رسانه نامید. قرار گرفتن بیش از ۱۰۰۰ ماهواره اسپیس اگس (Space X) به منظور فراهم کردن پوشش جهانی اینترنت در مدار پایین کره زمین، دور افتاده‌ترین نقاط جهان را زیر پوشش اینترنت پر شتاب قرار خواهد داد و در پی آن سرعتی غیر قابل وصف در انتشار اخبار و تصاویر دیجیتالی را موجب خواهد شد. در همین راستا انقلاب هوش مصنوعی نیز آغاز شده است که بزودی جهان را دچار تحولی شگرف خواهد کرد. به کارگیری روبات‌های سرباز در سیستم نظامی و امنیتی، روبات‌های جراح در علم پزشکی و همچنین در سیستم حمل‌ونقل شهری و هوایی و... را می‌توان نام برد.

به طور یقین با توجه به پدید آمدن این فناوری پر شتاب متأخر، عکس در ارائه اطلاعات رسانه‌ای بیشترین نقش را ایفا می نماید. «از دهه ۱۸۶۰م به بعد، ژورنال‌های عکاسی گاهی اوقات به مقوله هنر و عکاسی می پرداختند.» اهمیت دادن به عکس از سده نوزدهم، باعث شد که عکاسی به‌عنوان قدرتمندترین رسانه بصری در عصر حاضر پیشتاز باشد. عکس

به‌عنوان سندی تصویری مطرح است، تردیدها را از شنیده‌ها جدا می سازد و واقعیات را آشکار می کند. استفاده کاربردی از عکس به‌عنوان سند جرم برای اولین بار توسط پلیس فرانسه در ژوئن سال ۱۸۷۱ میلادی، در جریان دستگیری خونبار اعضای کمون پاریس مورد استفاده قرار گرفت.
■ اثبات بی چون و چرای یک اتفاق
وظیفه دوربین عکاسی ثبت واقعیت و ارائه سندی است جهت اثبات بی چون و چرای یک اتفاق، اما می تواند برای وارونه جلوه دادن واقعیت نیز به کار رود. در اینجا نقش عکاس و نگاه غرض ورزانه وی بر واقع‌های مستند بسیار حائز اهمیت می شود. سوزان سونگانی می گوید: «عکاسی واقع‌گراترین و در نتیجه ساده‌ترین هنر بازنمایی‌کننده است. یک عکس فقط نتیجه رویارویی با یک موضوع با اتفاق نیست، عکس گرفتن در نفس خود یک رخداد است - رخدادی که حقوق بی چون و چرایی برای دخالت کردن، تعرض کردن یا حتی اعتنا نکردن به آنچه در حال وقوع است، دارد.»

در اصل حضور عکاسی در جهان معاصر باعث تغییر در نوع نگارش به ساختار قلمی جامعه و بررسی دیدگاه‌های مختلف اجتماعی شده است. بر این اساس است که برخی از عکاسان اندیشمند زمانه ما، عکس‌هایی را بر اساس ارزشیابی فکری خود از آنچه که بشر با آن روبه‌رواست و زندگی و فرهنگ آنها را تهدید می کند تهیه و به نمایش می گذارند. جذاییت و قدرت عکس به علت نفوذ انکارناپذیر آن در ذهن مخاطبان است. نگاه جست‌وجوگرانه عکاس به پیرامون خود همواره برای بینندگان و خوانندگان روزنامه‌ها و مجلات جذاب بوده و شاید دیدن یک عکس در صفحه اول یک روزنامه موجب تشویق به خواندن آن روزنامه باشد. هر چند که در دنیای دیجیتال امروزه به‌عنوان وسیله‌ای برای بیان اندیشه خود به کار می برد و در شکل‌های مختلف عکاسی از جمله فتوژنالیسم، دوربین عکاسی همانند قلم برای یک پیشگفتار کتاب فتوژنالیسم می گوید: «فتوژنالیسم از دید من، به روزنامه‌نگاری گفته می شود که به جای قلم از دوربین استفاده می کند. درحالی که از عنوان «عکاسی برای مطبوعات» چنین برداشت می شود که عکاس یا فتوژنالیست عامل مکمل یاسرویس دهنده به مطبوعات است. او فردی است صاحب‌نظر که برای بیان اندیشه‌هایش به‌جای قلم با دوربین می نویسد. شاید اگر بخواهیم معنای تحت‌اللفظی برای فتوژنالیسم پیدا کنیم

بتوانیم آن را روزنامه‌نگاری تصویری یا روزنامه‌نگاری با عکس معنا کنیم.»

■ **اولین مصورها**

«اولین مجله مصور جهان، با عنوان «اخبار رسید. مؤسس و بنیانگذار این مجله «هربرت اینگرام»، یک کتابفروش، خیرگزار، صاحب چاپخانه و سیاستمداری از شهر بوستون بود. قیمت ابتدایی این نشریه هفتگی، ۶۰ پنس بود که با ۱۶ صفحه و ۳۲ تصویر حکاکی روی چوب در اندازه‌های متنوع و ۴۲ ستون خبری منتشر می شد. اولین شماره آن حاوی تصاویری از جنگ افغانستان و انفجار کشتی بخار در کانادا بود. بابیده اینگرام و پیشهاد «ویزتلی» (حکاک روی چوب)، دوماه قبل از انتشار اولین شماره از «اخبار مصورلندن» میلیون‌ها نسخه اطلاعیه تبلیغی مربوط به انتشار اولین شماره بین مردم منتشر شد که همین اقدام بسیار مورد استقبال قرار گرفت و زمینه چاپ و فروش اولین شماره را فراهم کرد. «اخبار مصور لندن»، با انتشار اخبار متنوع در حوزه‌های موردعلاقه مردم، همچون سیاست، اقتصاد، تئاتر، موسیقی، هنر، ورزش و... روزبه‌روز به موفقیت‌های بزرگی دست می یافت. اولین ویرایش آن در ۲۶۰۰۰ نسخه منتشر شد و بعد از گذشت چند ماه، تیراژ مجله به بیش از ۶۵۰۰۰ نسخه در هفته افزایش یافت. پیشرفت و توسعه روش‌های چاپ، گسترش سیستم‌های ارتباطی، همراه با پیشرفت تلگراف، راه‌آهن و... همگی باعث رشد قابل توجه در عرضه مطبوعات و انتشارات بود به طوری که در سال ۱۸۵۵م «اخبار مصور لندن» با وجود انتشار ۱۶۸ صفحه افزون بر تعداد صفحات موجود، تیراژ خود را تا ۲۰۰/۰۰۰ نسخه افزایش داد.»

حال با پیدایش چنین مجله مصوری در جامعه آن روز بریتانیا، بی‌تردید تصاویر نقشی حیاتی در جذب خوانندگان برعهده داشته است. شاید از آن زمان به بعد بود که روزنامه‌نگاران، عکس را نقطه قوت فعالیت‌های رسانه‌ای خود دانستند و عکاسان تصمیم گرفتند فراتر از استودیوهای خود گام برداشته و جامعه پیرامون خود را دستمایه‌ای برای عکاسی از جامعه و مردم قرار دهند. ورود عکس به روزنامه‌ها و مجلات و اشتیاق مردم برای دیدن عکس‌هایی با موضوعاتی متفاوت، برای دستخوش تغییرات عظیمی کرد. شاید بتوان گفت که آغازی بود برای پیدایش فتوژنالیسم به‌عنوان ژانری تخصصی در عرصه عکاسی برای رسانه. «مردمی خواستند رویدادهای اخیر را از دریچه دوربین عکاسی ببینند. به عقیده آنها عکاسی بخشی از یک روش علمی نوبن بود که به آن عینیتی رانسبت می داد که دیگر رسانه‌ها فاقدش بودند. جنگ کریمه (۱۸۵۶-۱۸۵۳) نخستین نزاع بزرگی بود که گزارشگران روزنامه‌ها، هنرمندان و عکاسان

پوشش اش دادند.»

از آن پس به بعد با توجه به رشد چشمگیر فتوژنالیسیسم در جهان، در دهه ۱۹۵۰میلادی گروهی از عکاسان مطبوعاتی شروع به هدف قراردادن ستارگان مشهور سینما در خیابان‌های شهر رم در ایتالیا کردند تا عکس‌هایی ناگهانی و در لحظاتی خاص و غیرمعمول از آنها تهیه کنند. عکاسانی مانند تازو سکیارولی، مارچلو جیتی، الیو سوری، لینیو نانی و انژیو ویتال به طور فزاینده‌ای تلاش می کردند تا عکس‌هایی غیررسمی و ناگهانی از ستاره‌هایی مانند آوا گاردنی، میکل آنژ آنتونیونی و سوفیا لورن ثبت کنند. آنها معتقد بودند که این نوع عکاسی برای مردم جذاب است زیرا لحظاتی پنهانی و آشکارکننده از زندگی ستاره‌های سینما را به نمایش می گذارد که در حالت معمول دیده نمی شوند. با گذشت زمان، این تصاویر محرمانه و رسواکننده بود که صفحات اول برخی از روزنامه‌ها را به خود اختصاص می داد و تیراژ میلیونی آنها سرگرمی جامعه بزرگ غرب را موجب شده بود. گفته می شود اولین عکس جنجالی در سال ۱۹۵۸میلادی از ملک فاروق پادشاه مصر همراه با دوزن که هیچ‌کدام همسر او نبودند در شهر رم توسط عکاس ایتالیایی تازو سکیارولی گرفته شد که موجب درگیری محافظان با عکاس گردید.

■ **فیلمی درباره پاپاراتزی‌ها**

در سال ۱۹۶۰میلادی کارگردان مشهور ایتالیایی به نام فردریکو فلینی فیلم سینمایی را تحت عنوان «زندگی شیرین» براساس فرهنگ آن زمان شهر رم ساخت. این فیلم داستان عکاسی مهاجم بود که افراد مشهور بخصوص ستاره‌های سینما را هرچجا که می رفتند تعقیب می کرد تا عکس‌هایی پنهانی از لحظات خصوصی آنها بگیرد. کارگردان، نام این شخصیت فیلم را «پاپاراتزی» گذاشته بود که بر اساس شخصیت عکاسی واقعی، به نام تازو سکیارولی (۱۹۹۸-۱۹۲۵) بازسازی شده بود. این واژه در زبان ایتالیایی به پشه سمج و مزاحم گفته می شود. البته چندین نظریه دیگر در مورد نحوه انتخاب نام پاپاراتزو در فیلم فردریکو فلینی وجود دارد. نظریه دیگری می گوید که این کلمه از نام فردی گرفته شده است که هتلی را در کاتنازرو ایتالیا اداره می کرد. نام این شخص کوریولانو پاپاراتزو (Paparazzo Coriolano) بود. این نام توسط یک نویسنده انگلیسی به نام جورج کیسینگ که در سال ۱۹۰۱ میلادی طی سفری به جنوب ایتالیا، سفرنامه‌ای تحت عنوان «کنار دریای یونان» را به رشته تحریر درآورده بود، عنوان گردید. گفته می شود فیلمنامه‌نویس فیلم «زندگی شیرین» اینو فلا اینانو در سال ۱۹۵۸میلادی ترجمه ایتالیایی کتاب کیسینگ را خوانده و نام پاپاراتزو را از آن برداشت کرده است. از آن زمان به بعد از آن عکاسان را پاپاراتزو (که جمع آن پاپاراتزی

گفت وگو با حجت الاسلام والمسلمین علی ذوعلم

عدالت نیاز به بستر فرهنگی دارد

✦ | صفحه ۱۵

گفت وگو با کارن کیهانی، به بهانه اجرای آثار آهنگسازان ایرانی، با آتامبل آلمانی موزیک فابریک

الهام از عود ایرانی

✦ | صفحه ۱۴

از یک سیاستمدار با جنایتکار باشید. عکاسان روزنامه‌نگار اغلب جان خود را در جنگ‌ها، بلاای طبیعی یا خیزش‌های سیاسی به خطر می‌اندازند و ممکن است که کشته شوند ولی عکاسان به خاطر نزدیک شدن بیش از حد یا تجاوز به حریم خصوصی شان سکایت کرده‌اند.
■ تبارشناسی جنجال
اما واقعا این همه جنجال برای چیست؟ جواب آن بسیار ساده است. برای یک مشت دلار. مجلات و روزنامه‌های مشهور، به نمایندگی‌های خود مأموریت می دهند تا تصاویری خاص از افرادی مشهور تهیه کنند. به طور مثال اگر سردبیران نشریه مردم (people) می‌خواستند عکسی از دنیس ریچاردز با یک نوزاد در آغوشش که از بیمارستان خارج می‌شود داشته باشند، روزانه چند صد دلار به عکاسان پاپاراتزی پیشنهاد می دادند. گفته می‌شود عکس‌هایی از بردییت و آنجلینا جولی در ماجرای مرگ شاهزاده دینا با توجه شد. شاهزاده شاهزاده دینا برای اگریز از دست هفت عکاس [پاپاراتزی] با سرعت رانندگی می‌کرد که سرانجام به تصادف اتومبیل و مرگ

خوشبختانه راه دیگری هم برای بازنگری در تجربیات گذشته وجود دارد و آن این است که می‌توان از روش رایج در بین فیلسوفان قرن هجدهم استفاده کرد. این روش، خرد و نیبرود عقلانی است که توانایی ما را برای قرار دادن مسائل در نگاه عقلانی که یک روند روانشناختی است، افزایش خواهد داد تا بتوانیم بخش‌های مختلف مغز خود را به کار بگیریم. وقتی از عقل خود برای تلاش جهت درک کردن فردی استفاده می‌کنیم، قشر پیش پیشانی که در قسمت جلوی مغز انسان‌ها است، بسیار بزرگ و فعال می‌شود. این قسمت از مغز در فرایندهایی مثل بیان شخصیت، تصمیم‌گیری و تعدیل رفتار اجتماعی نقش مهمی دارد. برنارد شاو نمایشنامه‌نویس معروف ایرلندی چنین نصیحت می‌کند: «با دیگران کاری نکن که آنها مجبور شوند همان کار را با تو انجام دهند. سلیقه آنها‌ممکن است متفاوت باشد.»

در خاتمه لازم به ذکر است در جوامعی که فساد اقتصادی پررنگ و فرهنگ و اندیشیدن کم‌رنگ شود، فاصله طبقاتی روز به روز بیشتر می‌شود، و برای کسب درآمد با به‌گرو گرفتن آبروی دیگران برای مشت‌ی دلار، پانکی عکس و تصویر را نیز ناپاک می‌کنند. آنجاست که جامعه‌ای سرخورده را به ورطه سقوط خواهد کشاند.

✦ **منابع این مطلب در تحریریه موجود است**